

اختیاری بودن استفاده از وکیل دعاوی

رای وحدت رویه ای منطبق با موازین حقوق بشر

به موجب رای وحدت رویه هیات عمومی دیوان عالی کشور به شماره ۷۱۴ مورخ ۱۳۸۸/۱۲/۱۱: «... برای اقامه دعاوی حقوقی، شکایت از آراء و دفاع از آنها، دخالت وکیل قانوناً الزامی نیست»^۱

هیات عمومی دیوان عالی کشور در صدور این رای وحدت رویه، استدلال قابل تاملی را بکار برده که به موجب آن چون دخالت وکیل در دعاوی، حق [و نه تکلیف] افراد است و این موضوع در قانون اساسی و قوانین عادی به صراحت پیش بینی شده است، از اینرو استفاده از وکیل در دعاوی یک امر اختیاری و نه الزامی می باشد. این استدلال هر چند در چارچوب قوانین و مقررات موضوعه به عمل آمده و در متن آن سخنی از موازین و استاندارد های حقوق بشری نیست، اما بطور قابل توجهی در انطباق با موازین حقوق بشر است. صدور این رای و آرای اینچنین، به نوبه ی خود بیانگر نفوذ و رخنه ی اندیشه های حقوق بشری و تفکر حق مدار بر ذهنیت قضات حاضر در دیوان عالی است. در صورت تداوم این رویکرد می توان دورنمایی از انطباق رویه های قضایی کشور با موازین و استاندارد های بین المللی حقوق بشری را مشاهده نمود.

جایگاه این حق از منظر موازین بین المللی حقوق بشر

از جمله ی حقوق و آزادی های بنیادین افراد، بر طبق ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی که در ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز پیش بینی شده است، حق رسیدگی منصفانه و علنی به دعاوی له یا علیه هر شخص در دادگاهی مستقل و بی طرف آن هم با رعایت برابری میان افراد است. ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و

۱. رای وحدت رویه شماره ۷۱۴ - ۱۳۸۸/۱۲/۱۱ هیات عمومی دیوان عالی کشور: «طبق اصل سی و چهارم قانون اساسی: «دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می تواند به منظور دادخواهی به دادگاه های صالح رجوع نماید... و هیچ کس را نمی توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد» انتخاب وکیل هم بنا به حکم مقرر در اصل سی و پنجم قانون اساسی از حقوق اصحاب دعواست و قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی نیز با تاکید بر حق متداعیین در انتخاب وکیل، در ماده ۲ مقرر داشته: «هیچ دادگاهی نمی تواند به دعوی رسیدگی کند مگر اینکه شخص یا اشخاص ذی نفع یا وکیل یا قائم مقام یا نماینده قانونی آنها رسیدگی به دعوا را برابر قانون درخواست نموده باشند» و در ماده ۳۹ تصریح کرده: «در صورتی که وکیل استعفای خود را به دادگاه اطلاع دهد، دادگاه به موکل اخطار می کند که شخصاً یا توسط وکیل جدید، دادرسی را تعقیب نماید...» همچنین قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری مصوب ۱۳۵۶ در فصل هشتم در قسمت اخیر ماده ۳۴ یادآور شده که اجرای مقررات این فصل نباید حق تظلم و مراجعه مستقیم و بدون مانع اشخاص به دادگاه ها و دیوان عالی کشور را از آنان سلب نماید، بنابراین به نظر اکثریت قریب به اتفاق اعضای هیات عمومی دیوان عالی کشور برای اقامه دعاوی حقوقی، شکایت از آراء و دفاع از آن ها دخالت وکیل قانوناً الزامی نیست و دادنامه شماره ۱۲۲۰ - ۱۳۸۵/۸/۲۷ شعبه پانزدهم دادگاه تجدیدنظر استان تهران که با این نظر مطابقت دارد نتیجتاً صحیح و منطبق با موازین قانونی تشخیص می گردد. این رای طبق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها لازم الاتباع است.»

سیاسی در بند ۱ خود در این زمینه اشعار می‌دارد: « همه در مقابل دادگاهها و دیوان های دادگستری متساوی هستند. هر کس حق دارد به اینکه به دادخواهی او منصفانه و علنی در یک دادگاه صالح، مستقل و بی طرف، طبق قانون رسیدگی بشود و آن دادگاه درباره حقانیت اتهامات جزایی علیه او یا اختلافات راجع به حقوق و الزامات آن، و در امور مدنی اتخاذ تصمیم بنماید...»^۲

یکی از تضمین های لازم برای دفاع از دعاوی و از جمله اموری که برای برخورداری از یک دادرسی عادلانه، هر شخصی فارغ از جنس، نژاد و ... باید از آن بهره مند گردد، حق برخورداری از وکیل در جریان یک دعوی است. در همین رابطه بسیاری از اسناد مهم بین المللی این حق را مورد تصریح و تاکید قرار داده اند. از جمله قسمت د از بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مقرر می‌دارد: «هر کس متهم به ارتکاب جرمی بشود با تساوی کامل لاقول حق تضمین های ذیل را خواهد داشت ... د) در محاکمه حاضر بشود و شخصاً یا به وسیله وکیل منتخب خود از خویش دفاع کند و در صورتی که وکیل نداشته باشد، حق داشتن یک وکیل به او اطلاع داده شود و در مواردی که مصالح دادگستری [مصالح عدالت]^۳ اقتضا نماید از طرف دادگاه راساً برای او وکیل تعیین بشود که در صورت عجز او از پرداخت حق الوکاله هزینه ای نخواهد داشت.»

همچنین قسمت ج از بند ۳ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر تقریباً مشابه متن میثاق، مقرر می‌دارد: «هر متهمی به ویژه حق دارد که ... ج) شخصاً خود و یا با همکاری وکیل مدافع منتخب خویش، به دفاع از خود پردازد و چنانچه توان مالی جهت پرداخت حق الوکاله نداشته باشد، در صورتی که مصالح عدالت اقتضا کند، بتواند بطور رایگان از مشاوره وکیل تسخیری بهره مند گردد.» این حق همچنین در قسمت د و ه از بند ۲ ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و ماده ۷ منشور آفریقایی حقوق بشر، تقریباً با عباراتی مشابه عبارات فوق، پیش بینی شده است.^۴ در بند ۲ از ماده ۴۰ کنوانسیون حقوق کودک و همچنین به موجب قطعنامه الحاقی مصوب هشتمین گنجره ملل متحد برای پیشگیری از جرایم و رفتار با مجرمین (۱۹۹۰) تحت عنوان «اصول اساسی نقش و کلاء» نیز به این حق پرداخته شده است.

^۲. ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز اشعار می‌دارد: « هر کس با مساوات کامل حق دارد که دعوايش به وسیله دادگاهی مستقل و بی طرف، منصفانه و علناً رسیدگی گردد. و چنین دادگاهی درباره حقوق و الزامات او یا هر اتهام جزائی که به او توجه پیدا کرده باشد، اتخاذ تصمیم بنماید.»

^۳. Interests of Justice.

^۴. این حق همچنین در قسمت های ب و د از بند ۱ ماده ۶۷ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی (ICC) و قسمت های ب و د بند ۴ ماده ۲۱ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی برای یوگسلاوی سابق (ICTY) با عباراتی تقریباً مشابه عبارات متن میثاق حقوق مدنی و سیاسی، به رسمیت شناخته شده است.

در نظام بین المللی حقوق بشر، «حق برخورداری از وکیل» دارای ابعاد و جنبه های گوناگونی است.^۵ یکی از مهمترین ابعاد آن «اختیاری بودن استفاده از وکیل» است. قسمت د از بند ۳ ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی و همچنین قسمت ج از بند ۳ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و قسمت د بند ۲ ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر به عنوان سه سند مهم در این زمینه مقرر می دارند، فردی که متهم به ارتکاب جرمی می شود، می تواند شخصاً و یا به توسط وکیل مدافع از خویش دفاع کند. یعنی صراحتاً اختیاری بودن و نه الزامی بودن برخورداری از وکیل را به عنوان یک قاعده کلی مورد تاکید قرار می دهند. در این زمینه کمیته حقوق بشر (به عنوان رکن ناظر بر اجرای میثاق حقوق مدنی و سیاسی) در جریان رسیدگی به یک شکایت علیه دولت اسپانیا،^۶ سلب نمودن حق افراد در دفاع از خویش بدون استفاده از وکیل را نقض آشکار قسمت ج بند ۳ ماده ۱۴ دانسته است. در این شکایت شخصی به نام آقای «مایکل هیل» مدعی بوده که قصد داشته شخصاً و بدون استفاده از وکیل و تنها از طریق یک مترجم، در جریان دعوی در دادگاه اسپانیا از خودش دفاع کند ولی دادگاه این درخواست او را رد کرده بوده. در مقابل دولت اسپانیا نیز به کمیته حقوق بشر پاسخ داده که در صورتجلسات محاکمه چنین درخواستی ثبت نشده، ضمن اینکه اسپانیا حق دفاع از خود را طبق میثاق و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به رسمیت شناخته است؛ لیکن بر اساس قوانین، این قبیل دفاع بایستی بوسیله یک وکیل انجام شود، در نهایت کمیته حقوق بشر با لحاظ اینکه قانون مصوب اسپانیا اجازه نداده، متهم شخصاً از خودش به گونه ای که در میثاق پیش بینی شده دفاع کند، نتیجه گیری کرده که حق آقای مایکل هیل در زمینه دفاع سلب شده و قسمت د از بند ۳ ماده ۱۴ میثاق در این خصوص رعایت نشده است.^۷

در یک مورد دیگر نیز که دیوان اروپایی حقوق بشر به آن رسیدگی کرده، شخصی به نام «کرمزو»^۸ مدعی شده که وی به موجب قانون ملی کشور خود تنها در صورتی می توانسته است در جلسه رسیدگی تجدید نظر از محکومیت حبس خویش شرکت کند که در هنگام تجدید نظر، چنین درخواستی را نموده باشد، اما وی موفق به این کار نشده و درحالی که احتمال افزایش قابل توجه مجازات حبس او براساس قوانین کشورش وجود داشته، از این حق محروم شده است. در این زمینه دیوان اروپایی حقوق بشر اظهار داشته که مقامات ملی در این خصوص متعهد بوده اند امکان حضور وی در جلسه رسیدگی و دفاع از خود بطور شخصی را فراهم کنند و این کوتاهی در اجرای این تعهد

^۵. برای مطالعه ابعاد مختلف حق برخورداری از وکیل بنگرید به مقاله نگارنده با عنوان: «حق برخورداری از وکیل دعاوی در نظام بین المللی حقوق بشر» منتشر

شده در خبرنامه کانون وکلای دادگستری اصفهان، شماره ۲۰، اسفند ۸۶ و یا رجوع شود به <http://niknameh.ir>

^۶. دعوی Hill و Hill علیه اسپانیا - ۵۲۶ / ۹۳

^۷. Sarah Joseph & ..., International covenant on civil and political rights, p 319 [14 - 81]

^۸. Kremzow

به مثابه نقض بند ۱ ماده ۶ به همراه قسمت ج این ماده می باشد. ضمن اینکه حق افراد در زمینه حضور در جلسه رسیدگی و اینکه بتوانند شخصاً از خویش دفاع نمایند، ارتباط تنگاتنگی با یک دادرسی عادلانه دارد.^۹

نکته ای که وجود دارد این است که اختیاری بودن استفاده از وکیل در هر حال یک اصل است، اصلی که می توان چه از طریق وضع قانون و چه از طریق رویه ی قضایی بر آن استثنا وارد کرد و این استثنا در جایی است که مصالح عدالت در خصوص برخی دعاوی و اتهامات مهم چنین اقتضاء کند که فرد مورد نظر، الزاماً بایستی برخوردار از یک وکیل مدافع باشد. در واقع چنانچه به دلایلی عینی محرز باشد و یا احتمال بسیار وجود داشته باشد که فردی ممکن است نتواند بدون استفاده از وکیل به درستی از خویش دفاع نماید، در اینجا عدالت حاکم بر دادرسی ها اقتضاء می کند که این فرد با استفاده از یک وکیل مدافع به دفاع از خویش پردازد. به نحوی که حتی اگر خود وی نیز تمایلی به این کار نداشته باشد، دادگاه راساً ملزم به تعیین وکیل برای او باشد. این استثنا عموماً در برخی جرایم دارای مجازات شدید بکار می رود. در این مورد کمیته حقوق بشر نیز در یکی از آرای خویش^{۱۰} صراحتاً اعلام کرده، در مواردی که فردی متهم به جرم مستوجب اعدام است، تعیین وکیل تسخیری برای وی الزامی است.^{۱۱} در واقع در جرایمی که به لحاظ شدت مجازات این امکان وجود دارد که فرد شخصاً نتواند دفاع شایسته ای از خویش بنماید و این امر در نهایت به ضرر او تمام شود، اقتضای عدالت این است که وی برخوردار از خدمات یک وکیل حرفه ای گردد.^{۱۲}

با این وجود باید توجه داشت که این مساله در هر حال یک استثنا است و نباید جای خود را با آن اصل و قاعده کلی عوض کند، به گونه ای که مقررات میثاق حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون های اروپایی و آمریکایی و ... در

^۹ P.van Dijk and G.J.H van Hoof, Theory and Practice of the European Convention on Human Rights., p 469.

در این زمینه همچنین می توان به رای دیوان اروپایی حقوق بشر در خصوص شکایت S علیه دولت سوئیس اشاره کرد. همچنین رک به: محمد آشوری، حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، ص ۳۴۵.

^{۱۰} دعوی Z.P علیه کانادا - ۳۴۱/۸۸

^{۱۱} Sarah Joseph &..., op cit, p.321. [14 -84] [14 - 85]

^{۱۲} در این مورد همچنین می توان به تصمیم مورخ ۱۹ آگوست ۲۰۰۵ شعبه بدوی دیوان بین المللی کیفری یوگسلاوی سابق در پرونده Radovan Stankovic اشاره کرد در این پرونده آقای استانکوویچ طی درخواستی از دیوان تقاضا کرده بوده که بتواند شخصاً از خویش در جلسات رسیدگی، دفاع کند. اما دیوان با این استدلال که با توجه به اوضاع و احوال پرونده، مصالح عدالت در مورد او اقتضا دارد که، او از یک وکیل مدافع در جلسات رسیدگی استفاده نماید، مستنداً به مواد ۲۰ و ۲۱ اساسنامه دیوان و قواعد ۴۴ و ۴۵ و ۵۴ از مجموعه قواعد آیین دادرسی دیوان، قرار رد درخواست وی را صادر نموده است. رک به: IT.96.23/2 (www.un.org/icty)

زمینه حق افراد دایر بر اینکه شخصاً بتوانند از خویش دفاع نمایند و یا وکیل مدافع خویش را آزادانه انتخاب نمایند، به امری غیر واقعی و واهی تبدیل شود.^{۱۳}

سخن پایانی:

هر چند هیات عمومی دیوان عالی کشور در متن استدلال خود، اشاره‌ی مستقیمی به هنجارهای حقوق بشری و تعهدات بین‌المللی کشور نسبت به آنها، ننموده است، اما تاثیر و نفوذ قواعد حقوق بشری بر تفسیری که قضات دیوان در این رای از قوانین موضوعه به عمل آورده اند، قابل توجه است.

¹³. P.van Dijk and G.J.H van Hoof, op cit, p.469.